

تجربه کردن، مسرت بردن از، و ابراز کردن مسیح (۲)

عبارات کلیدی

از طریق مجسم شدن، پسر یگانه خدا
انسانیت را در بر کرد و یک خدا-انسان شد؛
سپس در رستاخیز، مسیح از خدا متولد شد تا پسر نخست زاده باشد.
و همزمان، ایمانداران او متولد شدند
تا پسران بسیار خدا باشند.

خدای سه یکتا از طریق مجسم شدن،
مصلوب شدن، رستاخیز و صعود، فرآیند شده است
تا تبدیل شود به قانون روح حیات
که در روح ما به عنوان یک قانون «علمی»، یک اصل خودکار، نصب شده است؛
این یکی از بزرگترین کشفیات،
حتی بازیابی ها، در اقتصاد خداست.

ما به عنوان فرزندان خدا، خدا-انسان ها هستیم،
که از خدا متولد شده، دارای حیات و طبیعت خدا هستیم،
و به گونه خدا تعلق داریم؛
اکنون به عنوان فرزندان خدا، ما باید در عشق و نور گام برداریم،
با عشق به عنوان جوهر درونی خدا
و با نور به عنوان عنصر ابراز شده خدا.

مسیح، اجزای سازنده زره خداست،
و دعا، راه منحصر به فرد و عملی
برای به کار بستن مسیح به عنوان زره خداست.

پیام یک

بذر داوود تبدیل به پسر خدا می شود

خواندن متون مقدس: اعمال ۱۳: ۲۳، ۳۳؛ رومیان ۱: ۳-۴؛ ۸: ۲۹

۱. در اعمال ۱۳ پولس گفت که از بذر [ذریّت] داوود «خدا برحسب وعده، برای اسرائیل نجات دهنده ای یعنی عیسی را آورد» (آ. ۲۳)، و اینکه «خدا آن را به ما که فرزندان ایشان می باشیم وفا کرد، وقتی که عیسی را برانگیخت، چنانکه در زیور دوم مکتوب است که تو پسر من هستی، من امروز تو را تولید [مولود] نمودم» (آ. ۳۳):

آ. در آیات ۳۲ و ۳۳ می بینیم که مسیح به عنوان نخست زاده خدا به پدران وعده داده شده بود، و خدا این وعده را با برخیزاندن عیسی برآورده کرد.

ب. رستاخیز، تولدی برای عیسای انسان بود:

۱. او در رستاخیزش، توسط خدا مولود شد تا پسر نخست زاده خدا در بین برادران بسیار باشد – رومیان ۸: ۲۹.

۲. او از ازل پسر یگانه خدا بود – یوحنا ۱: ۱۸؛ ۳: ۱۶.

۳. پس از مجسم شدنش، از طریق رستاخیز، او در انسانیت خود توسط خدا مولود شد تا پسر نخست زاده خدا باشد – عبرانیان ۱: ۶.

پ. پولس قادر بود رستاخیز خداوند را در مزمور ۷: ۲ ببیند: «تو پسر من هستی، / من امروز تو را تولید [مولود] نمودم»:

۱. پولس کلمه «امروز» را به روز رستاخیز خداوند به کار برد.

۲. این بدان معناست که رستاخیز مسیح، تولد او به عنوان پسر نخست زاده خدا بود.

۳. عیسی، پسر انسان، متولد شد تا از طریق برخیزانده شدن از مردگان، پسر خدا باشد؛ بنابراین، برخیزاندن عیسی از مردگان توسط خدا، مولود کردن او بود تا پسر نخست زاده اش باشد – اعمال ۱۳: ۳۳.

ت. از طریق مجسم شدن، پسر یگانه خدا انسانیت را در بر کرد و آن خدا-انسان شد (یوحنا ۱: ۱۴، ۱۸؛ لوقا ۱: ۳۵). سپس این خدا-انسان در رستاخیز، از خدا متولد شد تا نخست زاده او باشد (اعمال ۱۳: ۳۳؛ عبرانیان ۱: ۶؛ رومیان ۸: ۲۹):

۱. قبل از مجسم شدن، پسر یگانه خدا دارای طبیعت انسانی نبود؛ او فقط طبیعت الهی داشت.

۲. در رستاخیز، پسر نخست زاده خدا، هم طبیعت انسانی و هم طبیعت الهی دارد.

ث. از طریق رستاخیزش، مسیح متولد شد تا پسر نخست زاده باشد، و همزمان همه ایمانداران او متولد شدند تا پسران بسیار خدا باشند – ۱ پطرس ۱: ۳؛ عبرانیان ۲: ۱۰:

۱. در بین این پسران بسیار، فقط آن نخست زاده، پسر یگانه خداست – یوحنا ۱: ۱۸؛ ۱ یوحنا ۴: ۹.

۲. این پسر یگانه خدا، در انسانیت رستاخیز کرده خود، همچنین پسر نخست زاده خداست – رومیان ۸: ۲۹.

۳. آن نخست زاده، هم الهیت و هم انسانیت دارد، و ما ایماندارانش به عنوان پسران بسیار خدا، هم طبیعت انسانی و هم طبیعت الهی داریم – ۲ پطرس ۱: ۴.

۲. ما باید مسیح را در رستاخیزش بشناسیم که در قدرت، با طبیعت انسانی خود، پسر خدا منصوب شد – رومیان ۱: ۳-۴:

آ. مسیح قبل از مجسم شدن و رستاخیزش پسر خدا بود، آن پسر یگانه – یوحنا ۱: ۱۸؛ ۳: ۱۶.

ب. با اینکه مسیح قبلاً، پیش از مجسم شدن، پسر خدا بود، ولی هنوز باید به عنوان پسر خدا از رستاخیز منصوب می شد زیرا توسط مجسم شدن، او طبیعت انسانی را در بر کرده بود، که هیچ ربطی با الهیت نداشت – ۱: ۱، ۱۴؛ رومیان ۸: ۳:

۱. پس از اینکه پسر خدا مجسم شد، طبیعت الهی او توسط جسم پوشانده شد.
۲. مسیح قبلاً در الهیت خود پسر خدا بود، ولی آن بخش از او که عیسی با طبیعت انسانیش بوده، از مریم متولد شده بود، پسر خدا نبود - لوقا ۱: ۳۱-۳۲، ۳۵.
۳. مسیح توسط رستاخیزش طبیعت انسانی خود، [یعنی] انسانیتش را تقدیس کرد و رفعت داد، و از رستاخیز به عنوان پسر خدا با طبیعت انسانی خود منصوب شد؛ او از این لحاظ در رستاخیزش به عنوان پسر خدا مولود شد - رومیان ۱: ۳-۴؛ اعمال ۱۳: ۳۳؛ عبرانیان ۱: ۵.
۴. این انتصاب پسر خدا، «در قدرت» بود، یعنی قدرت رستاخیز مسیح، که واقعیت آن، روح است - رومیان ۱: ۴؛ فیلیپیان ۳: ۱۰؛ افسسیان ۱: ۱۹-۲۰.
- پ. از طریق انتصاب در رستاخیز، مسیح که تاکنون، قبل از مجسم شدنش، پسر خدا بود، به طوری جدید پسر خدا شد - رومیان ۱: ۴.
۱. او قبل از مجسم شدنش، فقط با الهیت پسر خدا بود. او از طریق رستاخیزش، به عنوان پسر خدا هم با الهیت و هم انسانیت منصوب شد - آ. ۴.
۲. اگر مسیح طبیعت انسانی را در بر نکرده بود، نیازی برای او نبود که پسر خدا منصوب شود، زیرا او در الهیت خود قبلاً پسر خدا بود، حتی از ازل - یوحنا ۱: ۱۸؛ ۱۷: ۵.
۳. با در بر کردن انسانیت از طریق مجسم شدن، او به عنوان پسر خدا با انسانیت در رستاخیز منصوب شد - ۱: ۱۴؛ رومیان ۸: ۳؛ ۱: ۳-۴؛ عبرانیان ۲: ۱۴.
- (آ) مسیح به عنوان پسر منصوب شده خدا دارای دو طبیعت است، الهیت و انسانیت؛ انسانیتی که او اکنون دارد، یک انسانیت طبیعی نیست بلکه انسانیتی است که در رستاخیز رفعت یافته است - رومیان ۱: ۴.
- (ب) حتی طبیعت انسانی مسیح، پسر خدا منصوب شده است، زیرا او به عنوان پسر خدا هم با الهیت و هم انسانیت منصوب شده است.
- ت. انتصاب مسیح به عنوان پسر خدا با انسانیت، «بحسب روح قدوسیت» بود - آ. ۴.
۱. روح قدوسیت، جوهر حیات درون خداوند عیسی است. وقتی که او در جسم بر روی زمین زندگی کرد، این جوهر را در درونش داشت - متی ۱: ۱۸، ۲۰؛ لوقا ۱: ۳۵.
۲. وقتی که خداوند عیسی از میان مردگان رستاخیز کرد، او بر حسب روح قدوسیت که در او بود، پسر خدا به قدرت منصوب شد - رومیان ۱: ۴.
۳. اکنون او پسر خداست به طوری که از قبل شگفت انگیزتر است، زیرا اکنون او هم دارای طبیعت الهی و هم طبیعت انسانی رستاخیزکرده، دگرگون شده، رفعت یافته، جلال یافته و منصوب شده است - ۶: ۴؛ لوقا ۲۴: ۲۶؛ یوحنا ۱۷: ۵؛ اعمال ۳: ۱۳.
- ث. ما باید رومیان ۱: ۳-۴ و ۸: ۲۹ را به هم وصل کنیم:
۱. مسیح، پسر خدا، از طریق مجسم شدن، مصلوب شدن و رستاخیزش پسر نخست زاده شد، و پسران بسیار که برادران مسیح می باشند، به صورت او همشکل می شوند - عبرانیان ۱۰: ۱-۱۱؛ رومیان ۸: ۲۹.
۲. در رومیان ۱: ۳-۴ مسیح، پسر خدا، نمونه اصلی است، در حالی که در ۸: ۲۹ برادران بسیار، کسانی هستند که از آن نمونه اصلی «تولید انبوه» شده اند، و با نجات یافتن در حیات، به صورت پسر نخست زاده همشکل می شوند.
۳. این ما را به مورد خدا ساخته شدن می رساند و دلالت بر این دارد که قصد خدا در اقتصادش این است که خود را انسان بسازد تا در مسیح، ما ایمانداران به مسیح و فرزندان خدا، در حیات، در طبیعت و در ساختار (ولی نه در خدایی) به خدا تبدیل شویم؛ چنین مفهومی، فوق العاده عظیم است، و عاقبت، کتاب مقدس با این مورد تکمیل می شود - رومیان ۸: ۲۹؛ ۱: ۳-۴؛ یوحنا ۱: ۱۳-۱؛ ۱: ۳؛ مکاشفه ۲: ۲۱، ۱۰-۱۱.